

دکتر حامد نظری:

مسئولان ما همچنان فریب می‌خورند!

دکتر حامد نظری، کارشناس مسائل امنیتی دیگر مهمان این نشست بود که با طرح یک سوال صحبت خود را آغاز کرد و گفت: از منظر جنبه‌های تخصصی درست است که این داستان است مقداری با واقعیت فاصله دارد، مثل نحوه ورود شخصیت به مسائل و فعالیت‌های امنیتی اما این رمان است و باید پیام‌های منتقل شود و من در کتاب دنبال هدف نویسنده بودم که می‌خواهد چه چیزی به مخاطب منتقل کند؟

این استاد دانشگاه درباره تغییر روند سیستم‌های اطلاعاتی گفت: پاسخ این سوال برمی‌گردد به سال‌های قبل از انقلاب. وقتی اسناد آن زمان را بررسی کردیم، دو مورد را فهمیدیم؛ یکی استفاده از پول برای این‌که دیگران را در اختیار بگیرند و دیگری دام‌هایی در استفاده از زنان. این روش‌ها علنی بود و خیال می‌کردیم بعد از انقلاب، از این دور روش برای داخلی‌ها استفاده نمی‌شود اما بعد از مدتی متوجه شدیم که برخی از مسئولان ما همچنان با این دور روش فریب می‌خورند.

وی افزود: علاوه بر اهدافی که آقای ستاری گفت، چیزی که در این داستان پررنگ است این‌که جوانان در هر جایی حواس‌شان جمع باشد. در هر چیز ساده‌ای ممکن است دامی برای جذب پهن شده باشد؛ زیرا گاهی می‌بینیم که بدون این‌که خبر داشته باشند، دارند برای آنها کار می‌کنند. هنری که در این کتاب بود و جای تقدیر دارد این است که علاوه بر ترفندهای دشمن در جذب، توانمندی‌های دستگاه اطلاعاتی ایران را هم نشان می‌دهد.

این کارشناس مسائل امنیتی درباره این‌که چرا دستگاه امنیتی خود را به فضای ادبیات داستانی به‌ویژه برای مخاطب نوجوان و جوان کشور نزدیک نمی‌کند، گفت: چند سالی است که کارهای خوبی انجام شده، مثل تولید فیلم «گاندو» اما در بحث نشر و کتاب، جای این آثار خالی است. در حالی که جوان‌های ما با انبوه تهاجمی که به افکارشان می‌شود، مواجهند. این هنر دشمن است اما ما نیز باید کار قوی در قالب‌های هنری و حتی هشدارهای امنیتی انجام دهیم. رمان سیروان می‌تواند شروعی باشد برای تولید رمان‌های زیبا و جذابی که نسل جوان از تجربیات امنیتی استفاده کند. این کتاب مقدمه‌ای است برای ورود سایرین به این حوزه.



به گزارش «قفسه کتاب» نشست نقد و بررسی رمان امنیتی «سیروان» به قلم محمد ستاری وفایی از سلسله نشست‌های طعم کتاب با حضور محمد ستاری وفایی (نویسنده اثر)، میثم رشیدی مهرآبادی و جواد کامور بخشایش (منتقدان ادبی) و حامد نظری (کارشناس مسائل امنیتی) در سرای اهل قلم خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد. سردار محمد ستاری وفایی که از جوانی در مبارزات انقلاب شرکت داشت و با شروع ناآرامی‌ها در مرزهای غرب و شمال غرب به این مناطق رفت و در لباس رزمندگی فداکار در کنار مردم غیور گرد به مبارزه با گروهک‌ها و اشرار پرداخت، پس از سال‌ها که گرد پیروی بر چهره‌اش نشسته بود با ظهور پدیده‌ای با نام داعش و گروهک‌های تکفیری، تصمیم گرفت تجربیات اطلاعاتی و امنیتی‌اش را در قالب داستانی بلند به مخاطبان ارائه کند. این داستان چند ماه پیش توسط انتشارات انجمن پیشکسوتان سپاس منتشر شده و در نمایشگاه کتاب تهران رونمایی شد. حالا بعد از گذشت پنج ماه از رونمایی کتاب، فرصت مفتنی حاصل شد تا نویسنده در کنار چند منتقد ادبی و کارشناس امنیتی، نگاهی دوباره به اثر خود داشته باشد و این جمع به بررسی لایه‌های درونی‌تر این کتاب بپردازند. اهمیت این کتاب از منظر «بررسی عملکرد ناموفق گروه‌های تکفیری در کردستان و مناطق کردنشین ایران» و همچنین «ارائه آگاهی‌های اطلاعاتی به عموم مخاطبان برای مواظبت از دام‌های امنیتی» ما را بر آن داشت تا ضمن پیشنهاد مطالعه این داستان بلند، نکاتی درباره آن تقدیم‌تان کنیم.

محمد ستاری وفایی:

داستان من، تشکر از گردهای ایران است

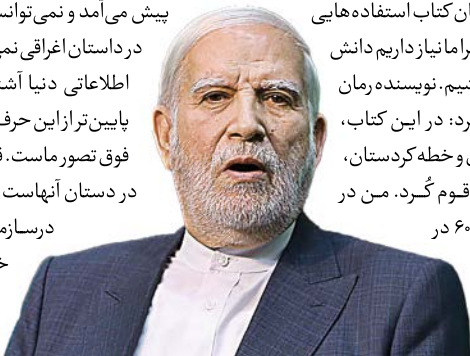
محمد ستاری وفایی، نویسنده اثر در ابتدای جلسه ضمن بیان مقدمه‌ای درباره داستان، به اهمیت گرد بودن قهرمان داستان اشاره کرد و گفت: سیروان، نام قهرمان داستان است و باتوجه به کردی بودن این نام، نشان می‌دهد که به خطه کردستان وابستگی دارد. سیروان برای مردم کردستان نام‌آشنایی است. یکی از دلایلی که این قصه و جریان را برای کتاب انتخاب کردم، برمی‌گردد به زمانی که مردم عزیز کردستان زیر چکمه‌های گروهک‌ها تحت فشار بودند و حتی مشکل معیشتی هم داشتند اما با همه سختی‌ها به نظام وفادار بودند و هستند. بخش دیگری از موضوعات مطرح‌شده در کتاب هم قدرت عملیاتی سرویس‌های اطلاعاتی دنیا را نشان می‌دهد. وی درباره درونمایه داستان افزود: داستان کتاب، نشان می‌دهد جوانان این خطه، باید اطلاعات‌شان

را نسبت به سرویس‌های اطلاعاتی دنیا بالا ببرند و بدانند که شیوه‌ها و شگردهای شان چیست. قهرمان داستان ما تا مدت‌ها نمی‌دانست در تور سازمان سیا گرفتار شده و خیال می‌کرد کاری ساده در آلمان برایش مهیا کرده‌اند. جوانان ما باید بدانند که در چه زمانی زندگی می‌کنند و با چه شگردهایی در دام بیگانگان قرار می‌گیرند.

امیدوارم مخاطبان کتاب استفاده‌هایی که باید را ببرند؛ زیرا ما نیاز داریم دانش امنیتی داشته باشیم. نویسنده رمان سیروان بیان کرد: در این کتاب، آوردن نام سیروان و خطه کردستان، تشکری بود از قوم گُرد. من در سال‌های دهه ۶۰ در کردستان حضور داشتم و آنها را دیده‌ام. وقتی

به یک پدیده نگاه می‌کنیم، بیشتر به نقص‌ها توجه می‌کنیم و حسن‌ها را نمی‌بینیم و این خوب نیست. مردم خطه کردنشین ایران بسیار محترم‌اند. محمد ستاری وفایی در پاسخ به سوالی درباره مسأله سانسور و اغراق در متن به دلیل امنیتی و خاص بودن قصه گفت: اگر سانسور در این کار بود، نمی‌توانستید بیش از ۳۰، ۲۰ صفحه از آن را بخوانید؛ چون سوال برای تان پیش می‌آمد و نمی‌توانستید به جواب برسید. من در داستان اغراقی نمی‌بینم و اگر با سیستم‌های اطلاعاتی دنیا آشنا باشید این قصه خیلی پایین‌تر از این حرف‌هاست. کارهای اطلاعاتی فوق‌تصور ماست. قدرت، پول، محیط و اجازه در دستان آنهاست.

درسازمان‌های اطلاعاتی هیچ خط قرمز و محدودیتی وجود ندارد، پس در متن اغراق نیست.



پیرمرد ۷۵ ساله، جوان‌ها

